



۲۰۲۱/۰۷/۲۸



سید ذوالمجد عالمشاهی



تاملی در مفهوم کشتزار بودن خانم ها

در این نوشتار کوشیده خواهد شد تا به دو موضوع آیات 222 و 223 سوره بقره روشنایی انداخته شود. در این آیات مسائلی طرح می شود و اما گفتن آن به خاطر روشن شدن موضوع است و اگر احیانا کلمه ای خارج از ادب نوشتاری به کار برده شده باشد، صرف از برای روشنایی موضوع بحث بوده است و از آن بابت از همه، خصوصا از خواهران عزیز، پوزش می طلبیم و اما از آن ناگزیر بوده ام چون این آیات با برداشت های بسیار ناصواب آغشته شده و برای توجیه یک عمل زشت دلیل گشته است.

شاد روان فاطمه مرنیسی متفکر مسلمان مراکشی در باره چرایی نزول آیات متذکره می نویسد که در بازار مدینه در قصه های خانم ها باهم از آمیزش های جنسی سخن رفته بوده و عده ای یا از لواطت و یا لواطت هنگام عادت ماهانه و یا از شیوه ای آمیزشی مشابه به لواطت گپ زده بوده اند. این موضوع باعث شده بود که عده ای از زنان مسلمان نزد ام سلمه (همسر حضرت رسول مکرّم) بیایند و بپرسند که دستور قرآن در مورد چه است؟ در موضوعاتی که شرم حضور از حضرت رسول مکرّم می بود قاعدتا سوال ها نزد یکی از همسران حضرت رسول مکرّم برده می شد تا برای پاسخ گیری واسطه باشند. این آیات پاسخ به پرسش خانم ها و رفع نگرانی شان بود.

آیت 222 بسیار واضح است و در شمار آیات محکّمات قرآن، اما آیت 223 به زبان استعاره سخن می گوید و جز آیات متشابهات است. متاسفانه از همین آیت، کسانی با ترجمه کلمه "آنی = هر جا و هر گاه" و فعل امر "فاتوا" (این فعل در پایان تشریح می شود) مجوز لواطت با خانم ها را صادر کرده اند و خود مصداق آیت هفتم سوره آل عمران "گشته اند یعنی دارندگان قلب و نیت منحرف که به خاطر ایجاد فتنه به سراغ متشابهات می روند و دل بخواهی آیت را تفسیر می کنند.

آیت 222 می فرماید: (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ فَاغْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) ((از تو در مورد (آمیزش به هنگام) دوره ماهانه می پرسند. بگو آن دوره برای خانم ها رنج و ناراحتی است پس در آن زمان از آمیزش با آنها کناره بگیرد و با آنها نزدیکی نکنید تا پاک شوند و چون پاک گردند آمیزش شما با آن ها در همان جای است که خداوند فرمان تان داده است. خدای توبه کنندگان و کسانی را که برای پاک شدن می کوشند دوست می دارد)) اشارت شد که این آیت از محکّمات است یعنی بسیار واضح است. سوالی پرسیده شده و پاسخ آن آمده است. پاسخ این که در هنگام عادت ماهانه خانم ها مزاحم شان نشوید و دوم به همان گونه آمیزش کنید که خدای به آن فرمان داده است. همه می دانیم که فرمان خدای آمیزش لواطتی هیچ گاهی نبوده است. پس به بهانه عادت ماهانه خانم ها و یا از روی شوق انحرافی به این عمل زشت دست نزنید. فعل امر "فاتوا" در این آیت به معنای "آمیزش جنسی کنید" است و ریشه آن از "آتی"، به معنای دیگر آن منطبق به آیت 223 پرداخته خواهد شد.

در پایان همین آیت، خداوند از حب خود به توبه کنندگان یاد می فرماید پس این ها الوده به گناه بوده اند و این عمل گناه بوده است که می بایست توبه کنند و باز می فرماید خداوند آن هایی را که به تطهیر (پاکیزه شدن) شان می کوشند دوست می دارد. طهارت شامل پاکیزگی درونی و بیرونی است، پس هم باور به این مساله و هم عمل به آن آلودگی است و می باید از آن پاکیزه شد. همین آیت به داستان آمیزش جنسی پایان می دهد. اجازه لواطت را به هیچ بهانه ای نمی دهد و این حکم تا قیام قیامت برقرار است. کسانی که با تفسیر خطای خود از آیت 223 (یعنی یک آیت بعد تر) به انحراف جنسی و زن آزاری شان صبغه قرآنی می دهند نیاز به توبه و تطهیر دارند. این ها خود را به فراموشی می زنند و تصور شان این

د پانوی شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

است که گویا در آیت بعدی بلافاصله خداوند حکم خود را یا فراموش کرده و شاید مزاح کرده باشد. ساحت مقدس خداوند از این دو میری است .

موضوع آیت 223 ارج گذاری به مقام زن و ویژگی های خاص آن هاست و این که چگونه با آن ها باید برخورد شود. اشارت رفت که این آیت با استعاره سخن می گوید. قرآن کریم با مثل ها در صدد افهام احکام الهی است و مثل ها به گونه ای انتخاب می شوند که برای مخاطبان مفاهیم آشنا داشته باشند. به این ترتیب کار به استعاره (عاریت گیری) می کشد. مثلا اگر خداوند از حبل الله می گوید این نه به معنای ریسمان آویخته از آسمان است . یا مثلا چون اعراب با درخت خرما بسیار ما نوس اند به همین مناسبت در سوره النسا آیت 128 به شوهر توانمند از نگاه اقتصادی " بعل " بر وزن " بعل " گفته می شود , و "بعل" آن چنان تنومند و استوار است که حتی به آب هم محتاج نیست و اما البته که به خاک محتاج است چون در جایی باید استوار باشد. در آیت مورد بحث ما زن به " حرث = کشتزار " تشبیه می شود و چون این خاک است که کاشته را می پذیرد پس مشابهت در اصل با " خاک " است و به این ترتیب " بعل = شوهر توانمند اقتصادی " اگر قایم به خاک نباشد در برابر طوفان و سیل از جا برکنده می شود. اگر درخت خرمایی تنومند و پربار می شود می باید ریشه در خاک داشته باشد. پس توانمندی شوهر از هر نگاه وابسته در توانمندی زن است .

آیت 223 سوره بقره : (**نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَلَاقُوهٗ وَيَسِّرِ الْمُؤْمِنِينَ**) (ترجمه رایج) (زنان شما کشتزار شما بند , هر کجا و هر گونه که خواستید با آن ها آمیزش کنید . و برای خود پیش اندیشی کنید و از خدای پروا داشته باشید و بدانید که او را ملاقات می کنید و مومنان را بشارت بده) با هزار افسوس ترجمه ها در زبان خود ما و زبان های دیگر البته تا جایی که نگارنده دیده است همین است . طبق روش معمول به شکل بسیار فشرده و در حد حوصله این نوشته لغات " حرث " , " لکم " , " فاتوا " , " اتقوا " و " مومنین " را با هم بررسی می کنیم.

می فرماید: (نساوکم حرث لکم ...) (همسران شما کشتزار شمایند ..) نگارنده این سطور بسیار شنیده است و خوانده است که این آیت سر تا پا تحقیر زنان است . عده ای منحرف هم با خوشی می گویند که خدا جان غم ما را خورده است ! اما آیا چنین است ؟ این آیت پاک را بررسی می کنیم و می بینیم که این آیت نه آن است که منحرفین جنسی می پندارند و نه تحقیر بلکه سراسر کرامت است.

تکرار نمی کنم که با این تمثیل , مخاطب های قرآن با خاک و خواص آن بسیار آشنا بوده اند و ما هم با تفکر در باره خاک با آن می توانیم آشنا شویم . فرمان الهی هم تفکر در آیات الهی است و خاک هم یک آیت الهی . خداوند "زن" و "خاک" را آن چنان آفریده است که از نگاه صفات با هم شباهت های بسیار داشته باشند. در آغاز بی جا نیست کلامی از حضرت رسول مکرّم را یاد آوری کنم که فرموده اند : (خاک حکم مادر را دارد حرمت آن را نگاه دارید.) فرموده رسول رحمت سر تا پا حکمت است و در سطور آینده خواهیم دید که این تشبیه چقدر دقیق بوده است . قرآن مجید هم می گوید که کافران به دوزخ رونده آرزو می کنند که ایکاش خاک می بودند . (سوره نبا - آیت 40)

اندکی در باره خاک . خاک پاک است همو که در نبود آب با آن می باید وضو کرد, خاک بسیار غنی است یعنی پر است از آب و معادن رنگارنگ مفید برای انسان ها , خاک بی تعصب و دریا دل است و نمی بیند که به کی باید کمک کند و به کی باید کمک نکند , خاک صبور است , مگر این که حد و حدود شکسته شود و همان خاک صبور قارون متکبر را ببلعد, خاک شعور دارد که می تواند ریخته های انسانی را دو باره مفید و کارآمد بسازد , خاک مهربان است که می گذارد از آن چشمه ها بجوشد و همه را سیراب کند , خاک سخاوت دارد که همان آب را در اختیار انسان, حیوان , گیاه و نبات قرار می دهد, خاک بخیل نیست تا از اعطای مواد برای رشد کاشته ها دریغ کند, خاک حریص نیست تا دیگران را از توانایی های خود بی بهره نگه دارد, خاک امانت دار است , کی تا حالا خیانت در امانت را از خاک دیده است ؟ خاک قدرت پذیردگی دارد و بی دریغ می گذارد دلش شکافته شود و جان های بی جان ما را در خود جا دهد. خاک افتاده و متواضع است و ما آدم ها به غلط می پنداریم چون زیر پاهای ماست هر بلایی می توانیم بر آن وارد کنیم . نمونه آشکار آن خاک کابل که روزانه میلیون ها تن فضله آدمی در حلق اش انداخته می شود , خاک ملایم است که با آب می آمیزد و برای ما سر پناه می سازد تا از شر گرما و سرما در امان باشیم . خاک خشن و دلخراش نیست و برداشت مولانا این که " در بهاران کی شود سرسبز سنگ ** خاک شو تا گل بروید رنگ رنگ ** سالها تو سنگ بودی دلخراش **** آزمون را یک زمانی خاک باش ** انسان مفلح (رستگار) مورد ستایش قرآن پاک است . مفلح از "فلح " است یعنی کاشتن و فلاح یعنی دهقان . مفلح در ابتدا همان دانه یا خسته ای است که با پذیرش خاک در دل آن جا می گیرد . خاک با شعور با حوصله مندی به اندازه کافی به او آب می دهد و مواد لازمه رشد را با آب آن چنان می آمیزد که ریشه هنوز بسیار ضعیف بتواند آن را جذب جا نش کند , خاک عاشق رشد دادن است از همین رو سمت و جهت خسته شکافته شده را به سمت آفتاب می کند تا به سوی روشنایی رود و رشد کند. با دیدن آمادگی دانه ضعیف باز برای دومین بار اجازه می دهد تا نوده دل خاک را بشکافد و به نور برسد و اندکی از کارش را خود سامان دهد و اما باز هم از خانه خود طردش نمی کند , خاک متعهد است تا محتاج را بی آنکه خواسته باشد بسیار مدد رساند و توقع تشکر را هم نداشته باشد به این صورت خاک صفت کرامت را هم می گیرد و با این همی دانه را " مفلح " می کند و او محبوب خدای می شود. خاک خستگی نا پذیر مهربان

د پانو شمیره: له 2 تر5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده , هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

بی توقع متواضع، مسوولیت های خود را را به سرانجام می رساند تا با مشیت الهی انسان و حیوان و هر چه هست زمین را تغذیه کند.

راستی چه چیز ما از " خاک " نیست ؟ آفرینش اولیه ما ، خوراک ما ، پوشاک ما، وسایل و ابزار زندگی ، لذت های ما ، جنگلات ما ، رنگ آمیزی گل و گیاه و درخت ، میوه های فراوان با شکل های مختلف و مزه های گوناگون ، باغ های سبز و خرم ما ، مناظر زیبا و دلکش و هر چه که مایه های آرامش روحی ما باشد. با آن چه گفته آمدیم ناگزیریم دو باره به فرموده خاتم المرسلین برگردیم که با تشبیه خاک به مادر توصیه حرمت آن را فرمود. به راستی این همه خوبی های سرشته در جان خاک به کدام موجود دیگر الهی جز به "مادر" شباهت می رساند و مادر همیشه یک "زن" است و بهشت برین با آن عظمت زیر پاهایشان، آیا شباهت خاک یا این همه شایستگی ها به زن ، توهین به مقام زن است ؟!

اما خاک مهربان و با سخاوت و ملایم و پذیرنده ، از باغبان توقع دارد تا گلستان آفرین باشد و نه خارستان آفرین ! باغبان می باید با صداقت خاک را پاس بدارد و فضای شاداب سبز خرم و دلپذیر ایجاد کند. آن هایی که در روستا ها بوده اند به این نکته واقف اند که دار و ندار باغبان از همین خاک است ، مایه آرامش او همین خاک است ، عشق او همین خاک است . از این رو او غمخور آن خاک است . با همین خاک می تواند به فلاح معنوی برسد و با تکیه به همین خاک می تواند به توانمندی اقتصادی برسد.

در نظام الهی رابطه خاک و باغبان خالی از اوقات تلخی و دل تنگی و تخریب خاک است. این سه خصوصیت زهر کشنده است و خاک را از باروری فاقد می کند . خواننده ایم که بعد از تدفین سعد بن معاذ دوست بسیار نزدیک حضرت رسول مکرم و شهید سبیل الله ، حضرت فرمودند که او همین حالا در فشار قبر (یعنی فشار اعمال) خود است و چون پرسیدند چرا ؟ فرمودند که او در میان خانواده خلق خوش نداشت . اگر دوست نزدیک پیامبر و شهید راه اسلام به خاطر لب و روی کشال و پیشانی ترش به عذاب قبر مبتلا می شود بدا به حال ما .

" لکم" (برای شما) ، حکم مالکیت را به کسی نمی دهد . در این دنیا هیچ کسی مالک هیچ چیزی نیست چه رسد به این که زنی مالک مردی باشد. همه چیز ملک خداوند است و همه چیز در نزد ما آدمیان در حکم امانت است . بسیار شنیده ایم که در امانت نباید خیانت کرد. در این جا هم خاک یک زمینه و یک کمک است برای مردان تا زندگی سالم و با صفا و با نشاط را سامان بدهند. همسر هم امانت گران بها است. حضرت رسول مکرم بعد از نکاح بی بی فاطمه زهرا با حضرت علی خطاب به ایشان فرمودند که فاطمه نزد تو امانت است .

اعمار باغ شکوفا و شادمان و پر نشاط مسوولیت های برابر و دو سویه می طلبد. از همین روست که قرآن مجید زن و مرد را لباس همدیگر می خواند (بقره: 187) هر دو "لباس" اند نه این که یکی دراز باشد و دیگری کوتاه یا یکی کلان باشد و دیگری تنگ و یا یکی خوش رنگ باشد و دیگر بد رنگ . هر مفهومی که از لباس داریم زن و مرد به اندازه کافی باید آن را داشته باشند تا کار زندگی شان در تعادل باشد. در معنای دقیق تر لباس در هم آمیختگی و امتزاج انسانی است به اندازه ای که گویا زن و مرد " یک" زوج می شوند و دویی از بین می رود. باغبان در نمود مزرعه اش تعریف می شود.

باز قرآن مجید می فرماید: (و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف ...) (بقره: 228) آن چه از حقوق نیکو که مرد بر زن دارد مثل آن را زن بر مرد دارد . پس حقوق زن و شوهر بر همدیگر مثل همدند و اجبار به کاری خلاف این اصل قرآنی است . هر کاری می باید با تفاهم طرفین باشد. اگر احيانا اختلافی پیش می آید با گفتگو حل و فصل شود. ادامه این آیت که توهم برتری مرد بر زن را دارد محتاج روشنایی است ، می فرماید : (و للرجال علیهن درجه و الله عزیز حکیم) (بقره: 228) ترجمه رایج : (مردان بر زنان برتری دارند و خداوند عزیز حکیم است) " درجه" از ریشه " درج" (ده ره چه) است . در لغت " درج" به معنای نگاه از روی نگرانی و شفق آمیز پدر و مادر به فرزند شان است هنگامی که او نو راه می رود و مادر و پدر پریشان افتادن او هستند و اما چون طبعاً پدر و مادر از فرزندگی که نو راه رفتن را یاد می گیرد هم از نگاه قد و قامت و هم از نگاه شعور و آگاهی بلند تر هستند ، مجازاً "درج" معنای برتری را گرفت. معنای دیگر " درج " امتزاج و اختلاط دو چیز باهم به گونه ای است که جدا کردن شان نا ممکن باشد. مثلاً ما شنیده ایم که تذکره من "درج " فلان جلد و فلان صفحه است یا فلان موضوع " مندرجه " شماره چندم فلان مجله یا کتاب است. درج گفته می شود چون رنگ قلم با کاغذ جدایی نا پذیر است . معنای دیگر درج ، بیچاندن کفن به دور متوفی است . در این صورت هم ، کفن از جنازه جدایی ندارد مگر اینکه با گذر ایام جسد و کفن پوسیده شوند.

"علیهن" که(بر زن ها) ترجمه می شود دقیق نیست . در یک نوشته دیگر اشارت شد که حرف جر " علی " با تلفظ "علا" در پهلوی پنج معنای دیگر ، مصاحبت و مجاورت هم معنا می دهد . پس می توان آن را " با زن ها" خواند و نه " بر زن ها" . در همین آیت دیدیم که خداوند حقوق زن و مرد بر همدیگر را "مثل" هم می خواند پس چطور بلافاصله می فرماید که مرد ها بر زن ها برتری دارند ؟ ترجمه پیشهادی چنین خواهد بود که : (مرد ها و زن ها باهم شفقت دارند از همان نوع مهربانی پدر و مادر به فرزند) و یا (زن و شوهر درج همدیگر اند مانند رنگ قلم بر کاغذ) و یا (زن و شوهر با هم اند تا هنگامی پوسیدگی مثل کفن و جسد)

باز قرآن مجید می فرماید: (الرجال قوامون على النساء) (النساء: 34) در مقالات دیگر شرح این آیت گذشت. اما مختصراً قیّم به معنای سرپرست است این آیت "قیّم" نمی گوید "قوام" می گوید. با توجه به شرح حرف جر "على" در بالا، پس ترجمه این آیت هم این گونه خواهد بود که مرد ها با زن ها تعادل آفرینان و حافظان موازنه ها هستند. تعادل زندگی مشترک شاید به خاطر برتری های کیفی یکی بر دیگری و یا "انفاق" زن و مرد از حاصل کار اقتصادی شان خدشه دار شود و زن و مرد قوام (تعادل آفرینان یا حافظان تعادل) می خواهد تا پایه های زندگی مشترک شان بی موازنه نشود. "فاتوا حرثکم انی شتم" ترجمه رایج: (هر جا و هر گاه خواستید با کشتزار تان آمیزش کنید) با خوانش همین بخش آیت منحرفان جواز لواطت با زنان را برای خود صادر کرده اند. در حالیکه در آیت 222 یعنی فقط آیت ماقبل فرمان آمیزش طبیعی مرد و زن آمد و داستان در همان جا پایان پذیرفت. اما این ها به همین سادگی فرمان الهی را در آیت بالا فراموش می کنند و صد البته که سرنوشت قوم لوط را هم افسانه می پندارند. در حالیکه با این عمل همانند آن قوم در قطار مجرمان قرار می گیرند. مجرم هموست که از خدای می برد و سقوط می کند. این ها در قطار ظالمان هم قرار می گیرند. ظلم همان است چیزی به جای چیزی دیگر قرار داده شود چون خداوند می فرماید "من حیث ما امرکم الله" جایی که خداوند امر کرده است و این ها به جایی مورد علاقه خود مشغول می شوند.

"فاتوا" در آیت 222 به معنای آمیزش جنسی است و اما علاقه مندان به لواطت با زنان با دیدن "انی = هر جا و هر گاه" در آیت 223 و فعل "فاتوا" برداشت خود شان را می کنند. به این دو عبارت دقت می کنیم. آیت 221 می فرماید: (فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ) در آیت 222 می فرماید: (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ). در اولی آمیزش در جایی است که خداوند امر فرموده است در دومی اگر برداشت این ها را قبول کنیم آمیزش جنسی در جایی است که این ها می خواهند. مثل این که گویا خداوند به این ها بگوید اگر چه من در آیت قبلی گفتم که با کجا آمیزش جنسی داشته باشید اما حالا که شما اصرار می کنید پس با همسران تان در همان جا در آمیزید که می خواهید. آیا چنین چیزی امکان دارد؟ آیا این یک خیال پردازی نیست؟ به همین سادگی "کجایی امر الهی را تبدیل به کجایی خواست جنسی" خود می کنند. با تاکید دیدیم که با آیت 222 داستان آمیزش جنسی به پایان رسید، حدود آن تعیین شد و به آن هایی که احیا نا مرتکب آن شده بوده اند توصیه به توبه و تطهیر شد. و اما باز فعل "فاتوا" را به همان معنا به آیت بعدی می کشانند و معنای انحرافی از آن می گیرند.

"فاتوا" از ریشه "اتی" است. این فعل با مشتقات و معانی متعدد دوصدو هشتاد و شش (286) بار در قرآن مجید آمده است. یک معنای "اتی" آمیزش جنسی است و اما معانی بسیار دیگر آن حاصل زمین، باج و خراج، سیلی که باران آن در جایی دیگر باریده باشد، مسافری که وطنش نا معلوم باشد، زن مسافر، آمدن، بودن، کردن کاری، نزدیک شدن دشمن، اعطای چیزی به کسی و پاداش دادن به کسی است که در ترجمه پیشنهادی از دو معنای آخری استفاده خواهد شد. همین فعل "فاتوا" به همین شکل در آیت 23 سوره بقره، و آیت 38 سوره یونس آمده است (فاتوا بسوره من مثله) (پس بیاورید سوره ای مثل قرآن). از همین "اتی" افعال "یوتون الزکوه" و "ایتا الزکوه" هم از ساخته شده است. که به معنای "زکات می دهند" و "دادن زکات" است. زکات اعطای مال است به کسی که شاید تقاضا نکرده بوده و اما انسان بخشنده خود می بخشد بی آن که توقع تشکری داشته باشد. دعای های آمده در قرآن نیز به "أتنا" آغاز می شود از همین ریشه است.

ترجمه پیشنهادی: فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ، = هر جا و هر گاه یعنی بدون در قید زمان یا مکان بودن به همسران تان، آن چیز شایسته را که می خواهید مثل یک تحفه ایتا کنید. ایتا "از سر مهربانی بدون توقع تشکری" اما تحفه شوهر به همسرش که در عالم معنا متمثل به صفات عالی خاکی شده و با آن همآوردی می کند چه می تواند باشد؟ بهترین تحفه احترام، ارج گذاری، وفاداری است که راهبر به سوی ایجاد فضای آرامش و آسایش و نهایتاً مودت و رحمت است. و "مودت = عشق آشکار" فراتر از عشق ظاهری است چون آثارش را شوهر و خانم به آشکارا می بینند. همین هدیه ها در فعل امر "فاتوا" نهفته است چون خداوند از همین فعل در اعطای زکات استفاده می برد. راه تشکر و حرمت نهادن، لواطت نیست، و تلقین آن به نام "امر الهی" تهمت به خدای بزرگ است. هزار البته که خلاف "امر" الهی و موافق به "خواسته" خود شان است.

"و قدموا لانفسکم". (برای خود پیش اندیشی کنید) همین پیش اندیشی کردن نشان دهنده این است که می باید عمل خلاف فرمان خدای انجام نگیرد. با کدامین عمل خلاف و در این جا لواطت می توان برای روز باز خواست و ملاقات با خداوند پیش اندیشی کرد؟

"و اتقوا الله و اعلموا انکم ملقوه و بشر المومنین" (از خدای پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد و مومنان را بشارت ده) پیش اندیشی نیکو محصول تقوی است. همه ما حتماً با کارنامه خود با خدای بزرگ روبرو شدنی هستیم و مومنان را که آغشته به این اعمال نیستند بشارت ده. هشدار حتمی دیدار با خداوند زنگ بیدار باش است اگر گوش شنوا باشد و البته اگر کسی خود را به خواب بزند هیچ زنگ بیدار باش هم بیدارش نمی تواند کرد.

ساده ترین مفهوم تقوی خدای را همیشه حاضر و ناظر دانستن است . صفات انسان متقی در آیت 117 سوره بقره شمرده شده است . ببینیم در میان آن صفات آیا زن آزاری و لواطت هم قید است ؟
آیت می فرماید که انسان های متقی سر تا پا " بر " هستند یعنی نه این که نیکویی می کنند بلکه سر تا پا نیکویی هستند پس جز نیکویی از آن ها سر نمی زند. " بر " همان انسان های هستند که دل شان همانند " بر = دشت " در راه خیر مانع نمی بیند، به خداوند ، روز آخرت ، فرشته های ، کتب آسمانی ، و پیامبران ایمان دارند. از همان مالی که خود دوست می دارند به خویشاوندان ، به راه ماندگان ، گدایان و بردگان می بخشند (در این جا هم از برای بخشیدن از همان فعل " اتی " استفاده شده است) ، زکات می دهند (باز هم همان فعل " اتی " استفاده شده است) ، به پیمان های خود وفادار اند و هنگامی که عهد می بندند به پیمان خود وفادارند، در برابر محرومیت ها و بیماری ها و در میدان جنگ استقامت به خرج می دهند ، این ها کسانی اند که راست می گویند و همین ها انسان های متقی هستند.

(بشر المومنین) " مو منان را بشارت بده ! " همان کسانی که با تقوای الهی به آن آیت عمل می کنند . صفات مومن در آیات مختلفه قرآن کریم آمده است . حضرت رسول مکرم ساده ترین و جامع ترین تعریف را از مومن فرموده اند یعنی همان که مردم از شر زبان و دست اش در امان باشد . ویژه گی ها دیگر مومنان با برداشت از آیات قرآنی این هاست . مومن در نماز خود خاشع است، از گفتار و عمل بیهوده به دور است ، پاکدامن است ، بدگمانی و غیبت ، بدگویی و تجسس نمی کند ، در مقام تسلیم و یقین است، متواضع و فروتن است ، شب زنده دار است ، حلیم و بردبار است ، موحد خالص است ، عفو دارد، در آیات الهی تدبیر می کند ، اگر لازم شد هجرت می کند و جهاد می کند، شهادت طلب است ، اولیای خود را از مومنان بر می گزیند، امر به معروف و نهی از منکر می کند، زکات را می پردازد و سخت امانت دار است .
قاعدتا هنگامی که صفاتی شمرده می شود در پایان همان آیت و یا آیت بعدی موصوف ، یعنی همو که این صفات را دارد ، هم می آید . در این جا هم اگر از متقیان و مومنان سخن آمده است در واقع این ها همان کسانی اند که به چه باید کرد های آیت 223 سوره بقره پای بند اند . هر که پای بند به تقوی و ایمان باشد هرگز نه تفسیر لواطت با زن ها را میکند و نه خود به این عمل زشت زن آزار حرام مبادرت می ورزد و السلام.

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ